

Representation of Containment Schemas of Mystical Journey in Hadiqah al-Haqiqah (Garden of Truth) and Tamhidāt (Preparations)

Zahra Alipoor* 

PhD in Persian language and literature from
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract

According to cognitive linguists, abstract experiences are expressed through bodily experiences interpreted as "image schemas". These basic categories are used differently due to variations in lived experiences. Devout and romantic mysticism represent two distinct types. This study aimed to explore and elucidate the utilization of schemas in these two types. To achieve this, we focused on Sanā'ie and Ayn al-Quzāt Hamadāni as representatives of devout and romantic mysticism, respectively. Our analysis centered on Sanā'ie's Hadiqah al-Haqiqah (Garden of Truth) and Ayn al-Quzāt Hamadāni's Tamhidāt (Preparations). The key questions included the identification of containers in these works, their contained ones, and the differences and similarities between them. This article primarily employed qualitative content analysis supplemented by statistical methods. Our findings indicated that Ayn al-Quzāt Hamadāni's Tamhidāt emphasized the epistemological dimension and exhibited extreme opinions, leading to a greater use of containment schemas. Both works shared commonalities in the application of this schema, reflecting a shared mystical discourse. Differences in worldview and audience influenced their uses of containment schema; for instance, Tamhidāt reflected a more deterministic view, leading Ayn al-Quzāt Hamadāni to employ circular containments.

Keyword: Mystical Journey, Containment Schema, Hadiqah al-Haqiqah (Garden of Truth), Tamhidāt (Preparations), Sanā'ie, Ayn al-Quzāt Hamadāni.

*Corresponding Author: zahraalipoor258@yahoo.com

How to Cite: Alipoor, Z. (2024). Representation of Containment Schemas of Mystical Journey in Hadiqah al-Haqiqah (Garden of Truth) and Tamhidāt (Preparations). *Mysticism in Persian Literature*, Vol. 2, No. 4, 233-262. doi: 10.22054/MSIL.2024.75959.1097.

Accepted: 17/01/2024

Received: 26/08/2023

EISSN: 2821-0751 ISSN: 2821-0743



— دو فصلنامه علمی - تخصصی عرفان پژوهی در ادبیات —

دوره ۲، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ۲۳۳-۲۶۲

msil. atu. ac. ir

DOI: 10.22054/MSIL.2024.75959.1097

بازنمایی طرح‌واره‌های حجمی سیر و سلوک در حقیقه الحقیقه و «تمهیدات»

زهرا علی‌پور *  دکتری زبان و ادبیات فارسی - عرفانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

چکیده

بر اساس نظریات زبان‌شناسان شناخت‌گرا، آنچه امکان بیان تجارب انتزاعی را فراهم می‌آورد، تجارب بدنمندی است که از آن‌ها به «طرح‌واره‌های تصویری» تعبیر می‌شود. با وجود آنکه این مقولات بسیار پایه‌ای هستند، تفاوت در تجارب زیسته باعث می‌شود افراد، طرح‌واره‌ها را به شکل‌های متفاوتی به کار ببرند. عرفان عابدانه و عاشقانه دو نوع متفاوت هستند. بر آنیم تا نحوه کاربرد طرح‌واره‌ها را در این دو گونه بررسی و تبیین کنیم. به این منظور، سنایی و عین‌القضات همدانی را برگزیده‌ایم که یکی به عرفان عابدانه تعلق دارد و دیگری به عرفان عاشقانه. پیکره متنی تحقیق حاضر، «حقیقه الحقیقه» سنایی و «تمهیدات» عین‌القضات همدانی است. پرسش‌های اصلی این است که در دو اثر، چه چیزهایی ظرف هستند، مظهر این ظرف‌ها چیست و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در این موارد دارند. در مقاله پیش رو، روش تحلیل محتوای کیفی غالب است، اما از روش‌های آماری نیز بهره گرفته‌ایم. یافته‌های ما نشان می‌دهد غلبه بُعد معرفتی و تندر بودن عقاید عین‌القضات بستری برای استفاده بیشتر از طرح‌واره حجمی در «تمهیدات» شده است. دو اثر در کاربرد این طرح‌واره با هم اشتراکاتی دارند که معلول گفتمان عرفانی مشترک در دو اثر است. تفاوت در جهان‌بینی و نوع مخاطب باعث ایجاد تفاوت‌هایی در بهره‌گیری از طرح‌واره حجمی شده است؛ برای نمونه نگاه جبرگرایانه‌تر در «تمهیدات» باعث شده قاضی از حجم‌های دایره‌ای بهره ببرد.

واژه‌های کلیدی: سلوک، طرح‌واره حجمی، حقیقه الحقیقه، تمهیدات، سنایی، عین‌القضات.

مقدمه

تجارب عرفانی به طور عمده انتزاعی هستند. زبان‌شناسان شناخت‌گرا معتقدند آنچه امکان بیان تجارب انتزاعی را به انسان‌ها می‌دهد، تجارب بدنمند آن‌ها است. در این زمینه نظریات مختلفی همچون آمیختگی مفهومی، استعاره‌های مفهومی، فضاها و ذهنی و... مطرح شده‌است. نظریه طرح‌واره‌های تصویری یکی از این نظریات است. بر پایه این نظریه، تجارب نخستین و پایه انسان‌ها، زمینه بیان تجارب انتزاعی را برای انسان‌ها فراهم می‌کند. درست است که طرح‌واره‌ها بسیار پایه‌ای و بنیادین هستند، اما براساس پژوهش‌هایی که صورت گرفته، تفاوت در تجارب زیسته باعث می‌شود عرفا از طرح‌واره‌ها به شکل متفاوتی بهره ببرند. عرفان عابدانه و عاشقانه دو گونه متفاوت از عرفان هستند.

طرح‌واره‌هایی که در عرفان عابدانه استفاده می‌شود چه تفاوتی با طرح‌واره‌های به کار رفته در عرفان عاشقانه دارد؟ برای پاسخ به این سؤال سنایی و عین‌القضات همدانی را برگزیده‌ایم. سنایی، عارفی است که در منظومه‌اش تا حدود بسیار زیادی به ظاهر شریعت پایبند است و عرفانی عابدانه دارد. در مقابل عین‌القضات عارفی تندرو است که در زمره عرفان عاشقانه جای می‌گیرد. پرسش اصلی در همین جا شکل می‌گیرد: طرح‌واره‌هایی که این دو برای بیان سلوک عرفانی به کار می‌برند، چه تفاوت‌ها و تشابه‌هایی دارد؟ طرح‌واره‌ها انواع مختلفی دارند، محدودیت‌های مقاله ما را بر آن داشت تا پژوهش خود را به بررسی طرح‌واره حجمی محدود کنیم. پیکره متنی ما «حدیقه» سنایی و «تمهیدات» عین‌القضات همدانی است.

در این پژوهش به چند سؤال مهم با عنایت به دو اثر پاسخ خواهیم داد:

- ۱- چه مقولاتی در طریقت عرفانی با طرح‌واره حجمی بیان شده‌اند؟
- ۲- مظلوف هر ظرف چیست؟
- ۳- پیامد مظلوف شدن هر ظرف در مظلوف چیست؟
- ۴- تفاوت‌ها و شباهت‌های دو اثر در هر کدام از موارد بالا چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

در ایران چندین کتاب در مورد زبان‌شناسی شناختی نوشته یا ترجمه شده است که جزء منابع این پژوهش بوده است. بحث اصلی ما نقش این طرح‌واره‌ها در چگونگی سلوک

است. به همین دلیل در بررسی پیشینه، پژوهش‌هایی را بیان می‌کنیم که کاربرد طرح‌واره‌های تصویری را در آثار عرفا بررسی و تحلیل کرده‌اند.

قدیمی‌ترین پژوهش را طاهری در سال ۱۳۹۰ انجام داده است. او در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی طرح‌واره حجمی معبد و نور در غزلیات شمس» براساس طرح‌واره حجمی، مکان‌واره‌هایی را که در غزلیات به واسطه حضور نور تبدیل به معبد می‌شوند، بررسی کرده است. این پژوهش به شواهدی می‌پردازد که بر مبنای طرح‌واره حجمی قابل تبیین هستند.

در سال ۱۳۹۳ دو پژوهش دیگر در ارتباط با نقش طرح‌واره‌ها در عرفان انجام شده است: نخستین پژوهش را محراب کالی با عنوان «بررسی و مقایسه طرح‌واره‌های تصویری غزلیات سعدی و حافظ» به انجام رسانده است. او در این پژوهش در چهارچوب نظریه معناشناسی شناختی و براساس تحلیل طرح‌واره‌های به کار رفته در غزلیات سعدی و حافظ به تحلیل و مقایسه نگرش و شخصیت این دو می‌پردازد. در همین سال، طاهری، طرح‌واره حرکتی از نوع افقی، عمودی و چرخشی را در منطق‌الطیر بررسی می‌کند و بر این اساس به تحلیل منظومه فکری عطار می‌پردازد. او طرح‌واره حرکتی را مهم‌ترین طرح‌واره به کار رفته در منطق‌الطیر می‌داند.

پس از آن کاظمی در سال ۱۳۹۴ در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی طرح‌واره‌های تصویری در غزلیات سنایی» تلاش دارد تا با استفاده از سه طرح‌واره حجمی، قدرتی و حرکتی به شناخت دقیق‌تری از غزلیات سنایی دست یابد. صادقی و همکاران در سال ۱۳۹۷، پژوهشی با عنوان «تحلیل طرح‌واره‌های تصویری در اشعار مولانا بر پایه دیدگاه زبان‌شناسی فرهنگی (مطالعه موردی: آب و آتش)» با هدف آشنایی با نظام استعاری و فرهنگی آب و آتش به تحلیل شناختی طرح‌واره‌های برگرفته از این دو عنصر در مثنوی و کلیات شمس می‌پردازند.

عباسی و همکاران، مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نگاشت‌های استعاری و طرح‌واره‌ای در مفهوم اجل در آثار مولوی» در سال ۱۳۹۸ تألیف کرده‌اند. بررسی استعاره‌ها در این مقاله

براساس نظر کووچش^۱ و دسته‌بندی طرح‌واره‌ها براساس نظر ایوان^۲ و گرین^۳ صورت گرفته است.

پس از آن توفیقی (۱۳۹۸) در رساله دکتری خود به بررسی و تحلیل نظام‌های استعاره‌ای و طرح‌واره‌های تصویری در غزلیات شمس پرداخته و تلاش کرده بین طرح‌واره‌ها و جهان‌بینی مولانا ارتباط برقرار کند و سرانجام به این نتیجه می‌رسد که «طرح‌واره همواره در خدمت جهان‌بینی است» (توفیقی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۱).

امینیان در سال ۱۴۰۰ در رساله دکتری خود به بررسی طرح‌واره‌های تصویری عدم در معارف بهاء‌ولد و مثنوی مولوی پرداخته است. این رساله تمام طرح‌واره‌های مرتبط با مفهوم عدم و زیرمجموعه‌های طرح‌واره‌ها را تحلیل کرده است.

جنبه تازگی پژوهش حاضر، مربوط به جامعه آماری آن است. طرح‌واره‌های حجمی سیر و سلوک در «حدیقه» و «تمهیدات» بررسی و مقایسه نشده است. همچنین در تحلیل طرح‌واره‌های حجمی به بررسی مطروف هر ظرف و پیامدهای شناختی آن به‌طور مفصل پرداخته شده که در آثار پیشین این بحث مطرح نشده است.

۲. مبانی نظری

طرح‌واره‌های تصویری از اساسی‌ترین مفاهیم معناشناسی شناختی هستند که در سال ۱۹۸۷ توسط جانسون^۴ مطرح شدند. واژه «طرح‌واره» در اصطلاح «طرح‌واره‌های تصویری» به این معنا است که طرح‌واره‌های تصویری مفاهیمی جزئی و انضمامی نیستند، بلکه مفاهیمی کلی و انتزاعی به شمار می‌روند. همچنین واژه «تصویر» محدود به ادراکات بینایی نیست؛ این اصطلاح در روان‌شناسی و زبان‌شناسی شناختی کاربرد وسیع‌تری دارد و تمامی انواع تجارب حسی-ادراکی انسان را شامل می‌شود (اردبیلی و روشن، ۱۳۹۱: ۴۸).

فرضیه اساسی در معناشناسی شناختی این است که تمام اندیشه بشر در نهایت در قلمروهای پایه‌ای و طرح‌واره‌های تصویری زمینه‌سازی می‌شوند (همان: ۸۵). در واقع طرح‌واره‌های تصویری ساختارهای دانش هستند و مستقیماً از تجارب بدنمند و

1. Kovecses, Z.

2. Evans, V.

3. Green, M.

4. Jonson, M.

پیش مفهومی تکوین می‌یابند. ما با بهره‌گیری از طرح‌واره‌های تصویری درباره‌ی حوزه‌های انتزاعی صحبت می‌کنیم.

این طرح‌واره‌ها ریشه در درک جسمی شده‌ی ما دارند و عینی هستند که از راه تجربه‌ی حسی با محیط اطراف شکل می‌گیرند؛ برای نمونه وقتی برای اولین بار خزیدن را یاد می‌گیریم، مرتب قصد داشته‌ایم به محل خاصی برویم به این ترتیب طرح‌واره‌ی مسیر شکل می‌گیرد (جانسون، ۱۳۹۶: ۱۹۵). در حقیقت طرح‌واره‌ها این امکان را فراهم می‌کنند که منطق تجربه‌ی حسی - حرکتی خود را برای اجرای عملیات شناختی سطح - بالا در مورد هستی‌ها و حوزه‌های انتزاعی به کار ببریم (جانسون، ۱۳۹۴: ۲۵۹).

در یک تعریف کلی باید گفت که هر طرح‌واره یک الگوی تکرارشونده و پویاست که برآیند تعامل فرد با هستی است (رنر و دیگران، ۲۰۰۵: ۴۲)

طرح‌واره‌ها انواع مختلفی دارند و دسته‌بندی‌های متفاوتی از آن‌ها انجام گرفته است. طرح‌واره‌ی حجمی، یکی از مهم‌ترین طرح‌واره‌هاست. مفهوم حجم حاصل تجربه‌ی مستقیم بدنمان نسبت به موقعیت‌های محصورشده یا دارای حجم است. ما مستقیماً از بدن‌های خود به مثابه‌ی ظرف‌های سه‌بعدی آگاه می‌شویم؛ ظرفی که چیزهای معینی مثل آب و غذا داخل آن می‌ریزیم و چیزهای معینی را از داخل آن خارج می‌کنیم. این تجربه، بسیار رایج است؛ برای نمونه به اتاق‌ها داخل یا خارج می‌شویم؛ به داخل لباس‌ها می‌رویم یا از آن خارج می‌شویم و انواع بی‌شماری از فضاها محدود (ایوان و گرین، ۲۰۰۶: ۱۵۸).

لیکاف و جانسون^۱ جملات زیر را نمونه‌ای از طرح‌واره‌ی حجمی می‌دانند:

- 1- we are out of trouble now
- 2- He fall into a depression
- 3- He is in love

در این موارد «مشکل»، «افسردگی» و «عشق» قلمرو مقصد هستند و قلمرو مبدأ آن‌ها ظرف است (همان). در این نمونه‌ها «in» و «into» نشان کاربرد طرح‌واره‌ی حجمی هستند.

در زبان فارسی قرینه‌های کاربرد این طرح‌واره سه نوع اسمی، فعلی و حرفی هستند. حروف اضافه «در»، «بیرون» و «داخل» مهم‌ترین قرینه‌های حرفی هستند.

1. Johnson, M & Lakoff, G.

- روزی یکی از مصطفی پرسید که «أین الله؟» گفت: «فی قلوب عباده» در دل بندگان خود باید جست؛ «و هو معکم این ما کنتم» این معنی باشد (همدانی، ۱۳۴۱: ۹۳).

نوع دوم قرینه‌ها، اسمی هستند. استعاره‌های «ظرف»، «خانه» و «صدف» نمونه‌ای از این نوع قرینه‌ها می‌باشند.

حرف قرآن تو ظرف آب شمر آب می‌خور به ظرف در منگر
(سنایی، ۱۳۹۷: ۱۹۱۵)^۱

قیدهایی مثل «پر» و «خالی» نیز نمایانگر کاربرد این طرح‌واره است. در بیت زیر، روح ظرفی است که پر از عیب شده‌است.

تو پر از عیب قصد عالم غیب نتوان کرد خاصه با شک و ریب
(همان: ۱۹۱۵)^۲

کاربرد طرح‌واره حجمی را از روی کاربرد بعضی فعل‌ها نیز می‌فهمیم. «بیرون آمدن» مهم‌ترین فعلی است که در دو اثر کاربرد دارد. در جملات زیر «خود» ظرفی است که باید از آن بیرون آمد.

- هر که از خود بدر آید ملکوت و ملک بیند و مالک الملک شود... عیسی علیه‌السلام -
از این واقعه چنین خبر داد، گفت: بملکوت نرسد هر که دو بار نزاید... هر که از خود بدر آید آن جهان را بیند (همدانی، ۱۳۴۱: ۱۲).

طرح‌واره حجمی چندین پیامد شناختی دارد که توجه به آن‌ها ما را در تحلیل بهتر امور انتزاعی یاری می‌کند. در ادامه مهم‌ترین پیامدهای این طرح‌واره را بیان می‌کنیم:

۱. در ارجاع به سنایی، عدد سمت چپ نشان‌دهنده شماره بیت در تصحیح زرقانی و یا حقی است.

۲. در ارجاع به سنایی، عدد سمت چپ نشان‌دهنده شماره بیت در تصحیح زرقانی و یا حقی است.

۱- تجربه مرزبندی شامل محافظت از یا محافظت در برابر نیروهای خارجی است؛ برای نمونه وقتی عینک‌ها داخل جا عینکی هستند از تأثیر نیروهای خارجی در امان هستند. (جانسون، ۱۳۹۷: ۷۴).

۲- هر جا ظرف وجود دارد، نیروهایی وجود دارد که مرز یا دیوارهای ظرف آن را محدود و مقید می‌کند. وقتی جسمی از ظرف خارج می‌شود، دیگر تحت تأثیر آن نیروها نخواهد بود. حرکت به خارج مستلزم برجسته یا آشکارسازی استعاری است. طبق این پیامد، آنچه محدود و مقید است، ممکن است از نظر ما پنهان، ناشناخته و غیرقابل دسترس باشد یا توجه ما را به خود جلب نکند، اما خارج شدن آن موجب آشکار شدن، شناخته شدن و دسترس‌پذیر بودن آن می‌شود و توجه ما را به خود جلب می‌کند (همان: ۹۲).

۳- به دلیل مقید بودن نیروها، جسم داخل مرزبندی از لحاظ محل ثبات نسبی پیدا می‌کند؛ ماهی داخل تنگ گذاشته و فنجان در دست نگه داشته می‌شود (همان: ۷۴).

۴- ثبات نسبی محل در داخل ظرف بر دسترس‌پذیری و قابلیت مشاهده شدن آن تأثیر می‌گذارد (همان).

۵- پنجمین پیامد طرح‌واره حجمی تعدی است؛ برای نمونه اگر «ب» در داخل «الف» باشد، آن گاه هر چه در داخل «ب» باشد در داخل «الف» هم هست؛ اگر در رختخواب باشم و رختخوابم در اتاق باشد من داخل اتاق هستم (همان).

۶- طرح‌واره حجمی، دارای سه ساختار است: داخل، مرز و خارج (همان)؛ یعنی همان‌گونه که حجم‌ها و ظرف‌های فیزیکی داخل، مرز و خارج دارند برای مقوله‌های انتزاعی همچون عشق نیز داخل، مرز و خارج قائل می‌شویم. همچنین هر چه را داخل مقوله باشد، داخل ظرف مناسب می‌دانیم و نفی یک چیز به صورت چیزی خارج از مقوله تعبیر و تفسیر می‌شود.

۷- از ماهیت طرح‌واره حجمی نتیجه می‌شود که اگر مقوله‌ها را به زبان استعاری ظرف می‌دانیم، آنگاه می‌توانیم ادعا کنیم که هر چیزی یا در داخل ظرف است یا خارج از آن. در منطق به این گفته «قانون حدّ وسط مردود» می‌گویند؛ یعنی امکان سومی بین داشتن

یکک ویژگی (یعنی در داخل مقوله) و نداشتن آن ویژگی (یعنی خارج از مقوله) وجود ندارد (همان: ۹۷).

استفاده از طرح‌واره حجمی، امکان گفتمان‌سازی را در عرفان فراهم می‌کند؛ زیرا یکی از کارکردهای مطرووف شدن «نفی مقوله‌های خارج از ظرف» است. برای نمونه عرفا معرفت را درون ظرف دل قرار می‌دهند و به این ترتیب انواع دیگر معرفت را طرد می‌کنند. با این تفاسیر، معرفتی که در ظرف علم یا عقل باشد، طرد می‌شود و معرفتی ارزش پیدا می‌کند که درون ظرف دل باشد.

۳. ظرف‌ها در «حدیقه» و «تمهیدات»

در تجارب بدنمند، گاهی این مطرووف است که به ظرف خود اهمیت می‌دهد. ارزش یکک جعبه جواهرات به خاطر آن چیزی است که درون خود جای داده است. چنین تجارب بدنمندی زمینه‌ای است برای تقسیم‌بندی سنایی از دل؛ سنایی دل را به دو نوع مجازی و حقیقی تقسیم می‌کند. قلبی که پر از رذائل اخلاقی باشد، قلب مجازی است و قلبی که خالی از آن باشد، قلب حقیقی است. در ابیات زیر، ظرف دل اگر پر از رذائلی همچون خشم و آز باشد، دوزخ و حجره دیو است، اما اگر پر از خوبی باشد، ظرفی ارزشمند، منظر ربّانی، می‌شود. در حقیقت این مطرووف است که مشخص می‌کند دل، دوزخ است یا منظری ربّانی.

دل یکی منظر یسیت ربّانی حجره دیو را چه دل خوانی؟
(سنائی، ۱۳۹۷: ۶۷۱۰)

اصل هزل و مجاز دل نبود دوزخ خشم و آز دل نبود
(همان: ۶۷۱۱)

این که دل نام کرده‌ای به مجاز رو به سوی سگان کوی انداز
(همان: ۶۷۰۷)

هر چند در «حدیقه» دل، کعبه خداوند است، اما گاهی خدا به عنوان موجودی خارج از ظرف دل مطرح می‌شود که دل به سوی او پرواز می‌کند و آینه‌ای برای تجلی خدا می‌شود:

دل کند سوی آسمان پرواز بام دین را به نردبان چه نیاز
(همان: ۶۷۷۷)

سوی حق شاهراه نفس و نفس آینه دل زدودن آمد و بس
(همان: ۱۹۴)

هر چه روی دلت مصفاتر زو تجلی ترا مهیاتر
(همان: ۲۱۴)

در «حدیقه» مهم‌ترین مظلوف دل حقیقی، دین است. در بیت زیر استفاده از حرف اضافه «درون» و «برون» نمایانگر کاربرد طرح‌واره حجمی است. دل ظرف است و دین مظلوف آن:

مرد دیندار همچو تین باشد گر درون و برونش دین باشد
(همان: ۴۷۳۹)

مهم‌ترین پیامد قرار داشتن دین در دل، محافظت است. این بدان معنا است که آنچه از دین محافظت می‌کند، دل است نه عقاید کلامی و فلسفی. پیامد دیگر مظلوف بودن دین در ظرف دل این است که تنها دینی پسندیده است که در قلب و روح عارف باشد و نه در ظاهر و لفظ.

«تعدی» کارکرد بعدی این مظلوف شدن است؛ یعنی از نظر سنایی هر چه درون دین وجود دارد، دل آن را تصدیق می‌کند. قرار داشتن دین در دل - که عنصری عرفانی است - نشان می‌دهد در «حدیقه» دین و عرفان با هم سازگار شده‌اند.

مظلوف بعدی دل، معرفت است. با توجه به بیت زیر، مهم‌ترین پیامد شناختی مظلوف بودن معرفت در دل، ثبات است؛ معرفتی که خداوند در دل سالک قرار دهد، باز پس گرفته نمی‌شود:

بازنمایی طرح‌واره‌های حجمی سیر و سلوک در حدیقه الحقیقه و «تمهیدات» | علی‌پور | ۲۴۳

معرفت در دلت نهاده اوست باز کی گیرد آن که داده اوست
(همان: ۷۹۰۹)

اگر سالک به تزکیه و سلوک نپردازد، دلش به جای این که پر از محبت و دین باشد
پر از رذائل و بدی می‌شود. این مضمون نیز با طرح‌واره حجمی بیان می‌شود. استفاده از
کلمات: درون، برون و تهی همچنین کاربرد حرف اضافه «در» در این ابیات نشان‌دهنده
کاربرد طرح‌واره حجمی است:

چون به حلمش غرور خواهی داشت نار در دل نه نور خواهی داشت
(همان: ۷۴۱)

تا تو را غل و غش درون باشد طاعت را قبول چون باشد؟
(همان: ۱۴۳۵)

تا حسد را ز دل برون ننهی دار دل را ز دین ستون ننهی
(همان: ۱۴۳۸)

در «تمهیدات»، دل بزرگ‌ترین ظرف است. «زهی دل که صفت واسعیت دارد»
(همدانی، ۱۳۴۱: ۱۴۷).

عین‌القضات نیز همچون سنایی معتقد است دو نوع دل وجود دارد: نوع نخست دل در
مقابله قلم الله است که می‌تواند از طریق علم لدنی مجهولات را برای سالک آشکار کند
و نوع دوم دلی است که در مقابله قلم الله نیست و هنوز استعداد آن را نیافته است که خدا
با دل او سخن بگوید. صاحب چنین دلی باید خدا را در آینه پیر ببیند و به کمک او
مجهولات را کشف کند (همان: ۸).

خدا و راه خدا در «تمهیدات»، مهم‌ترین مظروف‌های دل هستند:

- ای عزیز بدانکه راه خدا نه از جهت راست است و نه از جهت چپ، و نه بالا و نه زیر، و نه دور و نه نزدیک؛ راه خدا در دلست، و یک قدم است: «دع نفسک و تعال» (همان: ۴۷).

- روزی یکی از مصطفی پرسید که «أین الله؟» گفت: «فی قلوب عباد» در دل بندگان خود باید جست؛ «و هو معکم این ما کنتم» این معنی باشد (همان: ۹۳).

مهم‌ترین کارکرد مظلوف بودن خدا و راه خدا در دل، نفی ظرف‌های دیگر است؛ بنابراین، خدایی که در ظرف‌هایی غیر از دل باشد، مورد پسند عین‌القضات نیست؛ او خدای علم کلام و شریعت را نمی‌پسندد. محافظت نیز کارکرد دیگر آن است. استفاده از استعاره خانه برای ظرف قلب، نشانی از این کارکرد است^۱.

- همه موجودات، طالب دل رونده است که هیچ راه بخدا نیست بهتر از راه دل «القلب بیت الله» همین معنی دارد (همان: ۲۳).

طبق همین کارکرد، عین‌القضات برای تشخیص درستی امور سالک را به درون ارجاع می‌دهد؛ زیرا آنچه از عقاید عرفانی محافظت می‌کند، دل است:

- هر که چیزی نداند و خواهد که بداند او را دو راهست: یکی آن باشد که با دل خود رجوع کند بتفکر و تدبیر تا باشد که بواسطه دل خود خود را بدست آورد. مصطفی - علیه‌السلام - از اینجا گفت که «استفت قلبک و إن أفتاک المفتون» گفت: هر چه پیش آید، باید که محل و مفتی آن صدق دل باشد. اگر دل فتوی دهد، امر خدا باشد می‌کن؛ و اگر فتوی ندهد ترک کن، و اعراض پیش گیر که «إن للملک لمة وللشیطان لمة». هر چه دل فتوی دهد خدایی باشد، و هر چه رد کند شیطانی باشد (همان: ۸).

۱. خانه در جامعه سنتی ایران با مفهوم خانواده که واحد بنیادین جامعه است، شکل می‌گیرد. مفهوم خانه بسیار گسترده‌تر از مکانی خصوصی تلقی می‌شود. در واقع خانه حریمی مقدس است و ساکنان آن باید از دخالت ناخواسته در امان باشند (حسین زاده مقدم و ستاری فرد، ۱۳۹۴). هایدگر، خانه را به عنوان مأمن انسان نام برده است؛ بنابراین، خانه مکانی برای آرمیدن نیست (شخصی و فلامکی، ۱۳۹۳: ۱۱۸)؛ بنابراین، استعاره از «دین خانه است» این معنا به دست می‌آید که دین از ما محافظت می‌کند.

اخرویات نیز مظلوف دیگر دل هستند. عین القضاة به تأثیر از ابن سینا معتقد است، اموری همچون بهشت، جهنم و نکیر و منکر در درون خود آدمی هستند. به نظر می‌رسد کارکرد شناختی مظلوف بودن این مقوله‌ها در دل، محدود کردن نیروی اموری چون بهشت و جهنم است؛ از نظر او کارهای خوبی که با انگیزه رفتن به بهشت و جهنم صورت بگیرد، بی‌ارزش است.

– گفت: در دل بندگان من در آی تا در بهشت من توانی آمدن (همان: ۱۳۷).

– سؤال منکر و نکیر هم در خود باشد (همان: ۲۸۹).

مظلوف بعدی دل، معرفت و علم است؛ در «تمهیدات» وسیله کسب علم و نگهداری آن، دل است. نگاهی به تجارب زیسته عین القضاة نشان می‌دهد که او معرفتی را که در سایر ظرف‌ها همچون علوم کلام و فلسفه و... کسب می‌شود، نمی‌پسندد و راه کسب معرفت را راه دل می‌داند. به همین دلیل می‌توان گفت مهم‌ترین پیامد شناختی مظلوف بودن معرفت در ظرف دل، نفی است؛ هر علمی که در دل نباشد، نفی می‌شود. لازمه کسب معرفت هم در این است که دل در مقابله قلم الله باشد و از علایق تهی باشد:

– تا دل تو از علایق شسته نشود که «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» دل تو پر از علم و نور و معرفت «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ» نباشد (همان: ۶۵).

– این همه در دل تو منقش شود؛ دل تو لوح محفوظ شود (همان: ۱۴۷).

بنابراین در دو اثر، دل ظرف است. هر دو سالک معرفت را مظلوف دل می‌دانند، اما کارکرد شناختی آن متفاوت است؛ این پیامد در «تمهیدات» نفی ظرف‌های دیگر است؛ زیرا در «تمهیدات» تنها معرفت حقیقی آن است که از راه دل کسب شود، اما در «حدیقه» معرفت ممکن است درون ظرف دین یا عقل نیز قرار گیرد.

ظرف دل در «حدیقه» و «تمهیدات» از نظر مظلوف نیز تفاوت‌هایی دارند. در «حدیقه» سنایی دین را مظلوف دل می‌داند، اما در «تمهیدات» چنین مظلوفی برای دل بیان نشده است. تفاوت بعدی در اخرویات است. در «تمهیدات» تمام امور اخروی، بهشت و جهنم

و نکیر و منکر درون دل است. در «حدیقه» هر چند بهشت یزدان از بهشت ابدان جداست، اما جایگاهش همان جایگاهی است که شرع مشخص کرده است. ظرف بعدی، قرآن است. هر دو عارف برای اینکه از درک حقایق و معرفت با استفاده از قرآن سخن بگویند از طرح‌وارهٔ حجمی استفاده می‌کنند. سنایی وقتی از قرآن و فهم آن سخن می‌گوید، بیشتر از موانعی سخن می‌گوید که در سر راه عارف برای فهم معانی وجود دارد؛ بنابراین، بیشتر از طرح‌وارهٔ قدرتی^۱ استفاده می‌کند. با این وجود، ابیاتی نیز وجود دارد که سنایی حروف قرآن را ظرف و معانی قرآن را مظروف آن می‌داند. درک قرآن با طرح‌وارهٔ ظرفی مربوط به مراحل ابتدایی سلوک یا هنگامی است که عارف پا به وادی سیر و سلوک نگذاشته است؛ زیرا از نظر سنایی ظاهر قرآن «حارس عقیدهٔ عام» است:

از درون شمع منهج اسلام وز برون حارس عقیدهٔ عام
(سنایی، ۱۳۹۷: ۱۸۷۹)

در مراحل بالاتر، ظاهر قرآن ظرف است و حقیقت آن مظروف. عارف باید به مظروف توجه کند نه ظرف:

حرف قرآن تو ظرف آب شمر آب می‌خور به ظرف در منگر
(همان: ۱۹۱۵)

استعاره‌های «صدف»، «دُر»، «گردو» و لایه‌های مختلف آن، «نرگس و بوی آن» علاوه بر اینکه طرح‌وارهٔ قدرتی هستند، طرح‌وارهٔ حجمی نیز هستند. «صدف»، «گردو» و «ظرف»، ظاهر قرآن هستند و «دُر» و «مغز گردو» نیز حقیقت قرآن هستند. این استعاره‌ها

۱. انسان از تجربهٔ قرار گرفتن در برابر موانع مختلف و چگونگی مقابله با آن‌ها تجربه‌ای دارد. او این ویژگی را به پدیده‌ای که آن را ندارد، نسبت می‌دهد (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۷۵). برای نمونه هنگامی که می‌گوییم: «به دلیل مشکل مالی، نتوانستم ادامه تحصیل بدهم» از این طرح‌واره استفاده کرده‌ایم و مشکل مالی را مانعی برای ادامه تحصیل در نظر گرفته‌ایم؛ مشکلی که باعث توقف تحصیل شده است.

کارکرد تعدی دارند؛ یعنی ظاهر قرآن، باطن آن را دربر می‌گیرد و این دو در اساس با هم تضادی ندارند:

لفظ قرآن ز معنی قرآن همچنانست کز لباس تو جان
(همان: ۱۹۲۱)

حرف او گرچه خوب و منقوش‌ست کوه از او همچو عهن منقوش‌ست
اولین پوست، زفت و تلخ بود دومین، چون ز ماه، سلخ بود
سومین، از حریر زرد تنک چارمین، مغز آبدار خنک
(همان: ۱۹۲۴)

پنجمین منزل است خانه تو سنّت انبیا ستانه تو
(همان: ۱۸۹۱-۱۸۹۳)

صدف آمد حروف و قرآن در نشود مائل صدف دل حر
(همان: ۱۹۲۳)

مغز و در زآن به دست ناوردی که به گرد صدف همی گردی
(همان: ۱۹۵۰)

زین صدف‌های هرزه دست بدار در صافی ز قعر بحر در آر
(همان: ۱۹۵۱)

در «تمهیدات» آیات قرآن هر کدام ظرفی هستند که حقایق و اسرار عرفانی را نشان می‌دهند. مظلوف بودن حقایق عرفانی در ظرف آیات قرآن، کارکرد حفاظتی دارد؛ قرآن از مقامات و معرفت عرفانی حمایت می‌کند. این کارکرد از سویی ریشه در تعمق بسیار عین‌القضات در کلام دارد که باعث شده برای پشتیبانی و حمایت از عقاید خود، به دنبال عنصری از شرع باشد و از سوی دیگر، او از تفسیر باطنی آیات به عنوان وسیله‌ای

برای مشروعیت بخشیدن به عقایدی بهره می‌برد که با ظاهر شرع در تضاد است. حرف اضافه «در» در جملات زیر نمایانگر کاربرد طرح‌واره حجمی است:

- پس آنگاه سلوک باید کردن تا جمال این آیت روی نماید که «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». در این آیت جمال خالق ملکوت را ببیند، «عرف ربه» او را روی نماید (همدانی، ۱۳۴۱: ۶۱).

- چون وقت باشد تو را در عالم «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» آرند، و جمله اسرار الهی در دایره باء بسم الله و یا در میم بسم الله به تو نمایند، پس «عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» معلم تو شو (همان: ۲۰۹).

- دریغ بر راه سالک مقامی باشد که چون بدان مقام رسد بداند که همه قرآن در نقطه باء بسم الله است، و یا در نقطه میم بسم الله است؛ و همه موجودات در نقطه باء بسم الله ببیند (همان: ۱۷۲).

بنابراین در هر دو اثر، حروف قرآن ظرف هستند، اما مظروف ظاهر قرآن در «حدیقه»، معنای عمیق‌تر است و در «تمهیدات» اسرار و مقامات عرفانی. کارکرد این ظرف نیز در دو اثر متفاوت است؛ در «حدیقه»، کارکرد تعدی است، اما در «تمهیدات» کارکرد حفاظتی.

مقامات عرفانی در «تمهیدات»، علاوه بر اینکه مظروف هستند، ظرف نیز هستند. بیشترین کاربرد طرح‌واره حجمی در «تمهیدات» مربوط به مقام‌هاست. در هر مقام، آیه‌ای از آیات قرآن محقق می‌شود یا معرفت آن کسب می‌شود. کارکرد این طرح‌واره مرزبندی است؛ یعنی عین القضاة برای بیان مقامات از طرح‌واره حجمی استفاده می‌کند تا مقام‌های مختلف را مرزبندی کند. هر عارف با توجه به معرفتی که کسب می‌کند در یک مقام قرار می‌گیرد و حقیقت عرفانی آیه‌ای از آیات قرآن بر او آشکار می‌شود. عین القضاة در موارد متعددی با عباراتی نظیر «باش تا بدانجا رسی» عارف را تشویق به کافر شدن به مقام فعلی و تلاش برای رسیدن به مقام بالاتر می‌کند. کاربرد کلمات «اینجا»، «به» و «مقام» در جملات زیر نشان‌دهنده ظرف بودن مقامات عرفانی است:

- اینجا هیچ از عارف نمانده باشد، و معرفت نیز محو شده باشد، همه معروف باشد؛ «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» همین می‌گوید. در این مقام، «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» یکی نماید (همان: ۶۲).

- تصدیق چندان باعث باشد که عمل صالح مؤثر آید؛ چون عمل صالح مؤثر شد عمل خود مرد را بیقین رساند؛ چون بیقین رسد «يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» بر دیده او عرض کنند. آخرت و احوال آن عالم و علوم و معارف آن جهان او را خود ذوق گردد (همان: ۷۱).

- در یغا بر راه سالک مقامی باشد که چون بدان مقام رسد بداند که همه قرآن در نقطه باء بسم الله است، و یا در نقطه میم بسم الله است؛ و همه موجودات در نقطه باء بسم الله بیند (همان: ۱۷۲).

- «وَيُزَكِّهِمْ» خود در این مقام بدانی چه بود؛ «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ» امت خود را کتاب در آموزد یعنی قرآن و حکمت (همان: ۱۸۳).

بنابراین در «تمهیدات» ظرف مقامات عرفانی یکی از بزرگ‌ترین ظرف‌ها است. مطروف این مقام‌ها معرفت است و کارکرد آن مرزبندی، اما در «حدیقه» کاربرد مقامات عرفانی به عنوان ظرف را بسیار کم و در ابیات محدودی می‌بینیم. کاربرد کلمات «به» و «مقام» در ابیات زیر نمایانگر کاربرد طرح‌واره حجمی است:

جان از آن در مقام عز و بقاست که از آن روی در امید لقاست
(سنایی، ۱۳۹۷: ۲۶۶۷)

پس به کوی توکل آور رخت بعد از آنت پذیره آید بخت
در توکل یکی سخن بشنو تا نمانی به دست دیو گرو
(همان: ۴۰۳-۴۰۴)

تو به توحید کی رسی چو مرید نازده گام در ره تجرید
(همان: ۷۱۶۵)

گفتیم که در «تمهیدات»، مقامات عرفانی، مهم‌ترین ظرف است. مشابه این ظرف در حدیقه، دین است. سالک تا مراحل پایانی سلوک می‌تواند در این ظرف بماند. طرح‌واره «دین ظرف است» بیان‌کننده بیشتر پیامدهای طرح‌واره حجمی است. مهم‌ترین کارکرد این طرح‌واره مربوط به نفی مقوله‌هاست. از نظر سنایی هر چه مطلوب است، درون ظرف دین قرار دارد و هر چه خارج از دین باشد درون ظرف نامناسب قرار دارد. تنها در مرحله‌ای که عارف به فنا رسیده است و رهبری به نام عشق دارد می‌تواند در جستجوی مطلوبی خارج از ظرف دین باشد.

همچنین از منظر شناختی، دین ظرفی است که از سنایی در برابر نیروهای خارجی حفاظت می‌کند. در روزگاری که بسیاری از افراد از جمله اهل تصوف به جرم الحاد و بددینی طرد می‌شدند، دین نقش محافظتی خوبی دارد. استفاده سنایی از استعاره «دین خانه است» و «دین جهان است» بیانگر این نقش حفاظتی است.

در دین کوب تا رسی به خدای چندگردی به گرد بام و سرای
(همان: ۶۷۷۵)

از در کار اگر درآیی تو دان که بر بام دین برآیی تو
(همان: ۶۷۷۷)

هر که اندر جهان دین باشد هر دمش آسمان زمین باشد
(همان: ۸۵۴۲)

مرد تا در جهان دین نرسد از گمان در ره یقین نرسد
(همان: ۸۵۴۳)

در «تمهیدات» پیروی از ظاهر شریعت که بخشی از دین است، مانع سلوک و طرح‌واره‌ای قدرتی است و از دین به مثابه یک ظرف در راه سلوک سخنی به میان نیامده است.

عشق نیز همچون دین، ظرفی انتزاعی در راه سلوک است. وجه غالب تصوّف سنایی عشق نیست، اما در «حدیقه» عشق ظرف است؛ ظرفی که عارف را در برابر نیروهای خارجی حفاظت می‌کند. یکی از این نیروها عقل است. وقتی عارف در ظرف عشق باشد، از آسیب‌های عقل در امان است. عشق انسان را از وسوسه‌هایی چون مقام محافظت می‌کند؛ عارفی که در درون ظرف عشق است، اگر روزی مجبور باشد که کلاهی داشته باشد، کلاهی آتشین خواهد داشت؛ بنابراین، بیشترین کارکرد طرح‌واره ظرف در «حدیقه»، حفاظت‌کنندگی است.

کآنکه در عشق شمع ره باشد همچو شمع آتشین کله باشد
(همان: ۶۶۵۶)

عقل در کوی عشق نابیناست عاقلی کار بوعلی‌سیناست
(همان: ۶۰۴۲)

طرح‌واره عشق در «حدیقه» دربر گیرنده تجربه مرزبندی نیز هست؛ یعنی در عشق ویژگی‌های خاصی وجود دارد که در جهان‌های دیگر نیست؛ برای نمونه تمام انسان‌ها به دنبال مقصود خویش هستند، اما عاشق کاری با مقصود ندارد یا در جهان عشق وحدت حکم فرماست؛ عاشق کاری با بد و خوب ندارد و بار حکم عشق را می‌کشد:

عشق و مقصود کافری باشد عاشق از کام خود بری باشد
(همان: ۶۵۱۶)

ز آن‌که در کوی عشق و وحدت و هنگ بیش از این قیمتی نیارد رنگ
(همان: ۲۰۴۵)

هر چه در عشق نیک و هر چه بدست بار حکمش کشیدن از خردست
(همان: ۲۰۷۰)

در «تمهیدات» هم عشق ظرفی است که از عارف در برابر نیروهای خارجی محافظت می‌کند. این نیروی خارجی، شرع است. شرع با ترغیب به بهشت سعی می‌کند افراد را به سوی نصیب جسم بکشاند، اما عشق، افراد را به سوی نصیب جان می‌کشاند؛ به همین خاطر در مقابل نیروی عشق قرار دارد:

- جهانی طالب بهشت شده‌اند و یکی طالب عشق نیامده! از بهر آن که بهشت، نصیب نفس و دل باشد و عشق، نصیب جان و حقیقت (همدانی، ۱۳۴۱: ۱۱۱).

نیروی دوم عقل است قرار داشتن عارف در ظرف عشق، او را از عقل حفظ می‌کند: از عقل فراگذر که در عالم عشق او نیز غلام دل دیوانه ماست
(همان: ۲۱۱)

بیشترین کارکرد حفاظتی ظرف عشق در «تمهیدات» در ارتباط با ابلیس است. عشق ظرفی است که از ابلیس حمایت می‌کند و به او قداست می‌بخشد. ابلیس در عالم شریعت سیه‌روی است، اما وقتی در ظرف عشق قرار می‌گیرد هم ردیف محمد می‌شود (همان: ۲۹۷-۲۸۹). بنابراین یکی از مهم‌ترین کارکردهای ظرف عشق در «تمهیدات»، دفاع از ابلیس است:

- در عشق جفا بیاید، و وفا بیاید تا عاشق پخته لطف و قهر معشوق شود؛ و اگر نه، خام باشد و از وی چیزی نیاید (همان: ۲۴۱).

- ما را چون معشوق اهل یادگار خود کرد، اگر گلیم، سیاه بود و اگر سفید هر دو یکی باشد؛ و هر که این فرق داند، در عشق هنوز خام است (همان: ۲۲۴).

بنابراین در «حدیقه» و «تمهیدات» عشق ظرف است و سالک مظلوف آن. در هر دو اثر، عشق سالک را از نیروی عقل محافظت می‌کند. علاوه بر این، ظرف عشق در «تمهیدات» عاملی است برای حفاظت از نیروی شرع و حفاظت از ابلیس.

در «تمهیدات» نورمحمد نیز ظرف است. مظروف این نور، نور خداست. شخص مبتدی در ابتدا نمی‌تواند نور الله را بی‌واسطه ببیند؛ او باید در نور محمد نگاه کند تا نور خدا را ببیند (همان: ۴۷). کارکرد شناختی این مظروف شدن، قابل مشاهده و محدود کردن نور الله است تا حدی که قابل مشاهده برای عارف مبتدی باشد:

– دریغا دانی که این شرک چه باشد؟ نور الله را در پرده نور محمد رسول الله دیدن باشد یعنی خدا را در آینه جان محمد رسول الله دیدن باشد. «رأیت ربی لیلۃ المعراج فی أحسن صورة». مبتدی را آن باشد که جز در پرده محمد خدای را نتواند دیدن، اما چون منتهی شود، نور محمد از میان برداشته شود؛ «وَجْهَتُ وَجْهَی لِلَّذِی» نقد وقت شود؛ «لا نعبد إلا آیاه مخلصین» قبله اخلاص او شود زیرا که نور محمد رسول الله متلاشی و مقهور بیند در زیر نور الله (همان: ۷۶).

– دریغا سالک مخلص را به جایی رسانند که نور محمد رسول الله بر وی عرض کنند، بداند سالک در این نور که «إلا الله» چه باشد. «عرف نفسه» نور محمد حاصل آید، و «عرف ربه» نقد وی شود. دریغا اگر نور محمد رسول الله بنور «لا إله إلا الله» مقرون و متصل نبیند، این شرک باشد که «لئن أشركت لیحبطن عملک». از شرک در باید گذشت. (همان).

گاهی ظرف‌ها کارکرد منفی دارند. رذائل اخلاقی در «حدیقه» چنین ظرفی است. مهم‌ترین کارکرد این ظرف، محدود و مقید کردن روح عارف است. عارف نباید در این ظرف‌ها قرار بگیرد. به همین خاطر سنایی با برشمردن محاسن خارج شدن از این ظرف‌ها عارف را تشویق می‌کند که از این محدودیت‌ها خارج شود:

از درونت پلنگ و موش به هم تو همی خسپی اینت جهل و ستم
(سنایی، ۱۳۹۷: ۸۶۷۲)

گر نبایدت چهره چون گل زرد گرد افراط اکل و شرب مگرد
(همان: ۸۲۱۰)

ور نه در حرص گندمی در گرد گرد خود رو چو آسیا می‌گرد
(همان: ۸۰۲۴)

بنده تا از حدث برون نآید پرده عز نماز نگشاید
(همان: ۱۴۰۸)

از آنجا که «تمهیدات» خطاب به یاران صمیمی عین‌القضات نوشته شده و مخاطب عام ندارد، کاربرد این طرح‌واره را در «تمهیدات» ندیدیم.

۴. طرح‌واره حجمی دایره‌ای

در «تمهیدات» با حجم‌هایی روبه‌رو می‌شویم که دایره‌ای هستند. دایره‌ی هو، دایره‌ی الله، دایره‌ی باء بسم الله، دایره‌ی آیات قرآن و دایره‌ی لا. پایین‌ترین دایره، دایره‌ی «لا» است و بالاترین دایره، الله. لا دایره نفی است؛ ابتدا عارف باید قدم در این دایره بگذارد، اما نباید در این دایره متوقف شود باید حرکت کند تا به دایره‌ی «لا الله» برسد.

گاهی سالک در دایره‌ی «لا» قرار دارد و می‌خواهد وارد دایره‌ی «الا لله» شود، اما ابلیس مانع می‌شود و آن سالک برای همیشه در دایره‌ی لا باقی می‌ماند. در غالب موارد خروج از دایره، مستلزم یک نیروی خارجی است. جذبۀ جمال خداوند یکی از این نیروهاست.

– دریغا چه دانی که دایره «لا» چه خطر دارد؟ عالمی را در دایره «لا» بداشته است، صد هزار جان را بی‌جان کرده است و بی‌جان شده‌اند. در این راه جان، آن باشد که به «أَلَا اللَّهُ» رسد. آن جان که گذرش ندهند به «أَلَا اللَّهُ»، کمالیت جان ندارد، چون کشش جذبۀ من جذبات درآید، مرد از دست او نجات و خلاص یابد که «وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» نصرت کننده او شود، و توقیع نصرت «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» با وی دهند. (همان: ۷۵)

مهم‌ترین مظروف این دایره‌ها، روح سالک است. در بررسی‌های نمادشناسی، یکی از معانی نماد دایره، قداست است که همان نقش حفاظتی است که جانسون و لیکاف برای مظروف شدن برشمرده‌اند. بنابراین، سالک با قرار گرفتن در حجم‌های دایره‌ای قداست و الهیت می‌یابد. عین‌القضات خود را مستغرق در دایره «هو» که یکی از بالاترین دایره‌هاست، می‌داند:

- همگنان عین‌القضاة نباشند که در عزت دایره «هو» مستغرق باشد که جهانی را به حمایت حمای صمدیت خلعت‌ها بخشند (همان: ۳۴۸).

گاهی این دایره‌ها، ظرفی برای معرفت هستند و خداوند معرفت را از طریق همین دایره‌ها به سالک نشان می‌دهد. در این موارد نقش حفاظت‌کنندگی، نمایان است:

- چون وقت باشد تو را در عالم «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» آرند، و جمله اسرار الهی در دایره باء بسم الله و یا در میم بسم الله به تو نمایند، پس «عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» معلم تو شود (همان: ۱۵۵).

۵. تجربه بیرون آمدن از ظرف

گاهی دو سالک از تجربه بدنمندی استفاده می‌کنند که ترکیبی از طرح‌واره قدرتی و حجمی است؛ به این صورت که روح سالک درون یک ظرف قرار می‌گیرد که مانع حرکت اوست. کارکرد این ظرف‌ها محدود و مقید کردن روح عارف است. در تحلیل شناختی بیرون آمدن از ظرف باعث خارج شدن از تأثیر و نیروی ظرف است. عین‌القضاة با استفاده از این تجربه بدنمند از عبارت «بیرون آمدن» از آن چیز استفاده می‌کند و عارف را تشویق می‌کند تا با بیرون آمدن از مقوله‌هایی چون خود، عادت‌پرستی، هوا و... روح خود را از سلطه این نیروها رهایی بخشد و به سلوک ادامه دهد. در ادامه به بیان نمونه‌های این نوع از طرح‌واره حجمی می‌پردازیم.

«خود» یکی از ظرف‌های مذموم است که روح عارف را محدود و مقید می‌کند؛ نتایج خروج از این ظرف معرفت و شناخت است. پیران و سالکان کامل کسانی هستند که توانسته‌اند از خودی دور شوند.

- هر که از خود بدر آید ملکوت و ملک بیند و مالک الملک شود ... عیسی - علیه السلام - از این واقعه چنین خبر داد، گفت: بملکوت نرسد هر که دو بار نزاید ... هر که از خود بدر آید آن جهان را بیند (همدانی، ۱۳۴۱: ۱۱).

- باش تا از خود بدر آیی بدانی که راه کردن چه بود «و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عدة». زنه‌ار تا نپنداری که قاضی می‌گوید که کفر نیکست و اسلام چنان نیست. حاشا و کلا! مدح کفر نمی‌گویم یا مدح اسلام. ای عزیز هرچه مرد را به خدا رساند اسلام است، و هرچه مرد را از راه خدا باز دارد کفرست (همان: ۲۵).

- ای دوست دانی که این حزن از چه باشد؟ مگر از آن بزرگ نشنیده‌ای که گفت: همه مریدان در آرزوی مقام پیران باشند، و جمله پیران در مقام تمنای مریدان باشند زیرا که پیران از خود بیرون آمده باشند. آن کس که با خود باشد حظّ و لذّت چون یابد؟ (همان: ۲۴۲)

«عادت پرستی» نیز ظرفی است که کارکرد شناختی آن مقید کردن روح عارف است و عارف با خروج از این ظرف، اهل قرآن و حقیقت می‌شود.

- عزیز جمال قرآن، آنگاه بینی که از عادت پرستی بدر آیی تا اهل قرآن شوی که اهل قرآن «أهل الله و خاصته» (همان: ۱۷۶).

- تا از عادت پرستی بدر نیایی و دست بنداری، حقیقت‌ورز نشوی (همان: ۳۲۰).

تأثیرپذیری از رذائل اخلاقی نیز با همین تجربه بیان می‌شود.

- گفت: هر که قدم از عالم هوا بدر نهاد؛ قدم در بهشت نهاد؛ پس در این بهشت جز خدا دیگر کس نباشد. شیخ شبلی مگر از اینجا گفت که «ما فی الجنة أحد سوى الله» (همان: ۲۳۴).

سخت‌ترین ظرفی که سالک می‌تواند از آن خارج شود، ظرف بشریت است. از نظر عین القضاة احکام شرع بر قالب تعلّق دارد. اگر انسان قالب نداشت، دیگر احتیاجی هم به احکام شرعی نداشت. این مضمون با تجربه بدنمند خارج شدن از ظرف بیان شده است: تا زمانی که روح سالک درون ظرف بشریت قرار دارد، روحش محدود و مقید است، اما زمانی که توانست از تأثیر این ظرف خارج شود، مشمول اسقاط تکلیف می‌شود:

بازنمایی طرح‌واره‌های حجمی سیر و سلوک در حدیقه‌الحقیقه و «تمهیدات» | علی‌پور | ۲۵۷

– اما کسی که قالب را باز گذاشته باشد، و بشریت افکنده باشد، و از خود بیرون آمده باشد تکلیف و حکم خطاب برخیزد، و حکم جان و دل قایم شود. کفر و ایمان بر قالب تعلّق دارد (همان: ۳۵۰).

– باش تا از سفینه دنیا که در دریای بشریت است برون آیی، چون برون آمدی پای همت بر سرش زنی که «ما لی و للدنیا و ما للدنیا و لی». «حتّٰی إذا ركبّا فی السفینة خرقها» خود بیان این همه می‌کند (همان: ۲۱۹).

در «حدیقه» این کاربرد کمتر است. در ابیات زیر «حدث» ظرفی است که بیرون آمدن از آن باعث درک قرآن و عزّت می‌شود.

بنده تا از حدث برون ناید پرده عز نماز نگشاید
(سنایی، ۱۳۹۷: ۱۴۰۸)

تا برون ناید از حدث انسان کی برون آید از حروف قرآن
(همان: ۱۹۶۱)

شناخت خداوند نیز نتیجه بیرون آمدن از «جان» و «جای» است.

چون برون آمدی ز جان و ز جای پس ببینی خدای را به خدای
(همان: ۷۲)

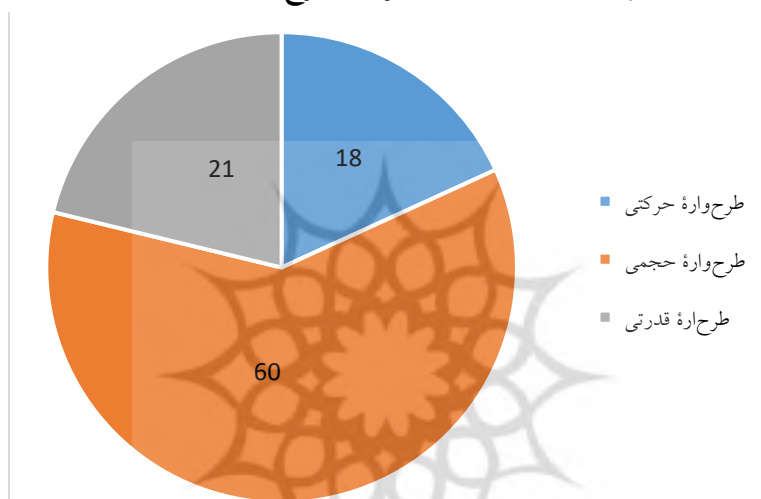
نتیجه‌گیری

مقایسه آماری کاربرد طرح‌واره حجمی در «حدیقه» و «تمهیدات» نشان می‌دهد که عین‌القضات از این طرح‌واره بیشتر بهره برده است. دو عامل اصلی، زمینه‌ساز این کاربرد شده‌اند: نخستین عامل به بُعد نظری و معرفتی «تمهیدات» باز می‌گردد؛ عین‌القضات در «تمهیدات» بیشتر از سنایی به مباحث نظری می‌پردازد و به همین دلیل نیاز به بیان مفهوم مرزبندی دارد و این نیاز در کاربرد بیشتر طرح‌واره حجمی انعکاس یافته است. دوم اینکه عین‌القضات عقاید تندروتری دارد و از شرع و عقاید عامه بیشتر دوری می‌کند و به همین

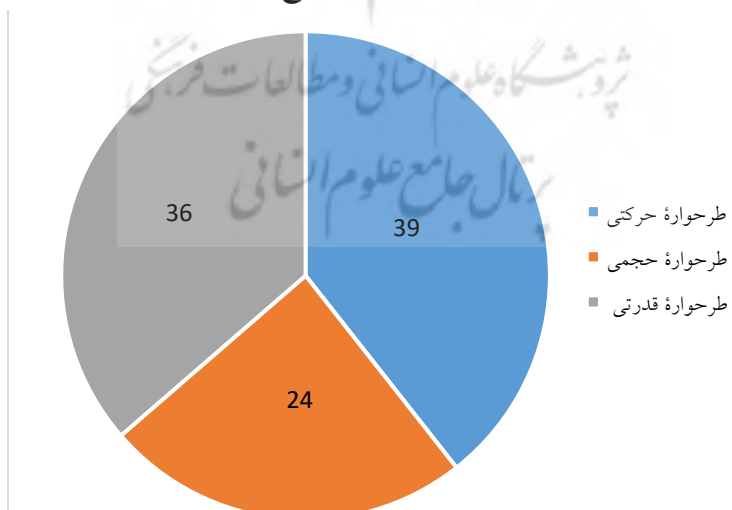
دلیل باید از عقاید خود محافظت کند و طرح‌واره حجمی این کارکرد را انجام می‌دهد. همچنین عین‌القضات از طرح‌واره حجم‌های دایره‌ای بهره می‌گیرد که کارکرد حفاظتی بالایی دارد. در پرتو همین نقش حفاظتی، ابلیس با قرار گرفتن در ظرف عشق، تقدس می‌یابد.

در نمودارهای (۱) و (۲) درصد کاربرد سه طرح‌واره پایه نشان داده شده است.

نمودار ۱. درصد نسبت کاربرد سه طرح‌واره در «حدیقه»



نمودار ۲. درصد نسبت کاربرد سه طرح‌واره در «تمهیدات»



دو اثر در کاربرد این طرح‌واره اشتراکاتی دارند که معلول گفتمان عرفانی مشترک در دو اثر است. طرح‌واره حجمی دل، ظاهر قرآن و عشق؛ در کارکردها و مظروف‌ها تفاوت‌هایی دارند، اما ظرف‌های مشترک در دو اثر هستند.

در اینکه چه مقولاتی در دو اثر ظرف هستند، تفاوت‌هایی وجود دارد. این تفاوت‌ها گاهی به دلیل تجارب زیسته و جهان‌بینی متفاوت دو عارف است؛ برای نمونه از آنجا که در «تمهیدات» شناخت خدا تنها با شناخت محمد امکان‌پذیر است، روح محمد ظرفی است که نور خدا را در خود جای می‌دهد. همچنین از آنجا که در نظرگاه عین‌القضات پیشرفت در سلوک با فضل خدا میسر می‌شود و نگاه جبرگرایانه حاکم است از طرح‌واره حجم‌های دایره‌ای بیشتر استفاده می‌شود.

دومین علت به مخاطب اثر برمی‌گردد: از آنجا که «حدیقه» همچون «تمهیدات» مخاطب خاص ندارد و سالکان مبتدی نیز بخشی از مخاطبان آن هستند از ظرف رذائل اخلاقی سخن می‌گوید، ظرفی که کارکرد آن محدود و مقید کردن روح سالک است.

علاوه بر تفاوت در ظرف‌ها، مظروف‌ها نیز در دو اثر متفاوت هستند. این تفاوت‌ها نیز برخاسته از جهان‌بینی متفاوت دو عارف است؛ برای نمونه در «تمهیدات»، اخرویاتی همچون بهشت و جهنم، مظروف دل هستند و جایی در دنیای خارج ندارند. تفاوت مهم دیگر در بحث قرآن است. در «حدیقه» قرآن ظرفی است که عقاید سالک را دربر می‌گیرد، اما در «تمهیدات» تفسیر باطنی قرآن مظروفی است که درون ظرف مقامات عرفانی جای دارد. این کاربرد انعکاس نظرگاه متفاوت دو عارف به قرآن است؛ در «حدیقه» حقایق در ظرف قرآن کسب می‌شود، اما در «تمهیدات» حقایق قرآن در ظرف مقامات عرفانی رخ می‌نماید. گاهی خود آیات قرآنی ظرفی هستند که هر کدام یک مقام عرفانی محسوب می‌شوند.

در جدول‌های (۱) و (۲) نشان داده‌ایم که در دو اثر، چه چیزهایی ظرف هستند، مظروف آن‌ها چیست و کارکرد شناختی این مظروف بودن چیست.

جدول ۱. طرح‌واره‌های حجمی در «تمهیدات»

ظرف‌ها	مظروف‌ها	تحلیل شناختی
مقام‌ها	روح عارف - باطن قرآن	مرزبندی
باطن قرآن	معرفت عرفانی	حفاظت
قلب	خدا و راه خدا - اخرویات - معرفت	نفی ظرف‌های دیگر - محدود کردن - محافظت
عشق	روح عارف	حفاظت
دایره‌ها	روح عارف	محدود و مقید کردن و مرزبندی
نور محمد	نور خدا - نور لا اله الا الله	قابل مشاهده کردن

جدول ۲. طرح‌واره‌های حجمی در «حدیقه»

ظرف‌ها	مظروف‌ها	تحلیل شناختی
قرآن	عقاید	نفی مقوله‌های خارج از ظرف - تعدی
مقام‌ها	معرفت	مرزبندی
قلب	دین، معرفت، محبت خدا	مقید کردن - نفی مقوله‌ها - تعدی
رذائل اخلاقی	روح انسان	محدود و مقید کردن
عشق	روح عارف	مرزبندی - حفاظت

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Zahra Alipoor



<https://orcid.org/0000-0002-8000-1059>

منابع

- اردبیلی، لیلا. روشن، بلقیس. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*. تهران: نشر علم.
- سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۹۷). *حدیقه‌الحدیقه*. مصححان محمدجعفر یاحقی و سید مهدی زرقانی. تهران: انتشارات سخن.
- جانسون، مارک. (۱۳۹۷). *بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تخیل و استدلال*. تهران: انتشارات آگاه. چاپ دوم.

بازنمایی طرح‌واره‌های حجمی سیر و سلوک در حدیقه الحقیقه و «تمهیدات» | علی‌پور | ۲۶۱

- حسین‌زاده مقدم، اکبرعلی، ستاری‌فرد، شهرام. (۱۳۹۴). عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی خانه صادقیه اردبیل). مقاله ارائه شده در کنفرانس پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی.
- شصتی، شیما. فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۳). رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی (با تکیه بر نظریه «جامعه کوتاه مدت» و نظریه «راهبرد سیاست سرزمینی جامعه ایرانی»). نشریه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. ۶(۳)، ۱۱۷-۱۳۷.
- طاهری، معصومه. (۱۳۹۰). بررسی طرح‌واره حجمی معبد و نور در مثنوی و غزلیات شمس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهرکرد.
- طاهری، عارفه. (۱۳۹۳). بررسی طرح‌واره حرکتی در منطق‌الطیر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- عضو امینان، نگار. (۱۴۰۰). بررسی طرح‌واره‌های تصویری عدم در معارف بهاء‌ولد و مثنوی معنوی. رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی‌شناسی. چاپ دوم. تهران: انتشارات سوره مهر.
- محراب کالی، منیره. (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه طرح‌واره‌های تصویری غزلیات سعدی و حافظ. رساله دکتری. دانشگاه مازندران.
- کاظمی، مهدیس. (۱۳۹۴). بررسی طرح‌واره‌های تصویری در غزلیات سنایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- همدانی، عین‌القضات. (۱۳۴۱). «تمهیدات». مصحح: عقیف عسیران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

References

- Ardabili, L., & Rowshan, B. (2012). *An Introduction to Cognitive Semantics*. Tehran: Nashr-e 'Elm Publications. [In Persian]
- Dirven, R., Ronald, W., Langacker, J., & Taylor, R. (2005). *Cognitive Linguistics Research*. Germany.
- Evans V., & Green M. (2006). *An Introduction to Cognitive Linguistics*.
- Hamadāni, Ayn al-Quzāt (1962). *Tamhidāt (Preparations)*. Proofreader: Afif 'Asirān, Tehran: University of Tehran Publications. [In Persian]
- Hosseinzādeh Moghaddam, A. A., & Sattārifard, Sh. (2015). Elements of Identity in the Traditional Architecture of Iranian Houses: A Case Study of Sādeghiye's House in Ardabil. An article presented in the Conference

- of Modern Researches in Civil Engineering, Architecture, and Urban Planning (November 26, 2015). [In Persian]
- Johnson, M. (1987). *The body in Mind: Physical Basis of Meaning, Imagination, and Reasoning*. 2nd edition. Tehran: Āgāh Publications. [In Persian]
- Kāzemi, M. (2015). Examining Image Schemas in Sanā'ie's Lyrics. Master's thesis, Mazandaran University. [In Persian]
- Mehrāb Kālī, M. (2014). Examining and Comparing the Image Schemas of Sa'di and Hāfez's Lyrics. Ph.D. thesis, Mazandaran University. [In Persian]
- Ozv Aminiān, N. (2021). Examining the Image Schemas of Non-Existence in Bahā' Valad's Teachings and Masnavi Ma'navi. Ph.D. thesis, Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Safavi, K. (2004). *An Introduction to Semantics*. 2nd edition. Tehran: Surah Mehr Publications. [In Persian]
- Sana'ie, Majdoud bin Ādam (2018). *Hadiqah al-Haqiqah (Garden of Truth)*. Proofreaders: Mohammad Ja'far Yāhaghi & Seyyed Mehdi Zarghāni, Tehran: Sokhan Publications. [In Persian]
- Shasti, Sh., & Falāmaki, M. M. (2014). The Relationship between Iranian Lifestyle and Housing Based on the Theory of "Short-Term Society" and the Theory of "Territorial Policy Strategy of Iranian Society". *Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, 6(3), 117-137. [In Persian]
- Tāheri, A. (2013). Investigation of Path Schema in Mantiq al-Tayr. Master's thesis, Mazandaran University. [In Persian]
- Tāheri, M. (2011). Investigating the Containment Schema of Temple and Light in Shams Tabrizi's Masnavi Ma'navi and Lyrics. Master's thesis, Shahr-e Kord University. [In Persian]

استناد به این مقاله: علی پور، زهرا. (۱۴۰۲). بازنمایی طرح‌واره‌های حجمی سیروسلوک در حدیقه‌الحقیقه و تمهیدات، عرفان پژوهی در ادبیات، (۴)، ۲۶۲-۲۳۳.

Doi: 10.22054/MSIL.2024.75959.1097.



Mysticism in Persian Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.